

نور اللغات  
کون کا بصیر  
البصیر واللسان  
اللسان کون  
امرت مراد علی الرحمن  
ذو کرم





نعم مصطفیٰ بنی اسرائیل و در باره اوصاف صورت محبت با که در عهد دوم بنی اسرائیل

۲۹۵







۱۰  
 شهادت ابرار و انصاف به اسم الله ۱۲۶۰ اوله کتب کلیمه عزرا و انصاف به اسم الله  
 کلیمه و دین و اگر کسی خلاف ابرار و انصاف به اسم الله و انصاف به اسم الله  
 نداد که دین و انصاف به اسم الله و انصاف به اسم الله و







[illegible]





که هرگاه که بعد از این وقت از مردم که هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
در میان اینها که هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
تحت این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
بدر این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
است و در هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
از این که هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
دو سال از هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
بعد از این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
لاکرم غیر محض است و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
حاصل این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
خاطر صحت این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
در این وقت هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
حاصل این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
مراعات و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
در این نام و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
شکرت و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
معانی و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
خدا و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
لاکرم و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند  
صفت و هر یک از اینها که خود می نامند و هر یک از اینها که خود می نامند

در این

نوع

بند دار









صورت ملک قیاسی ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
در ارض خا، بعد ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم ۹۷

صورت ملک سلم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
که موقوف در ملک سلم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
نقص است که بر آن قائم شد و بویع الممتنع به ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
کمان بسته نماید محمد ابراهیم در یک نیکو طه به ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
که احباب به راتینغ مرغانه به ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
اتحاد احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
بویع به جائزه البته از آنکه ذکر بیت العدل محمد ابراهیم در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
لوح محضی به ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
ذکر بیت العدل و مشرق الدار سلمه که غایت فرمایند انهد

صورت ملک قیاسی ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم

در نفقه محمد ابراهیم در ملک سلم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
محمد ابراهیم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
در این ایام که ظلمت غالب از حق لازم دارد و بنات عامه که در اراج الهیال کفایت ندارد  
هم که جمیع احوط و حکام و قواعد و تفنی منوط بکفایت سوره الیوم امر را هم و عظم دارم که حقیقت  
در این زمان است و از جمله همان ضویر است که در لوح انعقد کنایه سوره و ذکر کفایت نامحالی اوقم  
اعمال و سوره سنان و فرایند مومسان و محمد ابراهیم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
در مقام علی بن ابی طالب که هیچ وقت از هر جمعه و نبوت در یک بار خود  
که بکشد و بفرستد از خدای سید الیقاق نماید و دیگر در این ایام که سوره  
از این امر نشاء الله یک نفس ایمن سید الکنیه که اگر اینگونه دعو در ذرا جمع  
خاست بکنند تا آنکه این سوره سارقون دان اغلبهم ضامنون خاتم الیوم ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
بر دو مقام دانند و نسبت خود ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم  
بعضی ۵۵، که از احوط ماضی، و نشانه در ملک سلم اندر ده و در ملک سلم







1

سید (مکتبہ)





[illegible]



انصار علم و فضل و عزم در ارضی، که از شنیدن و عمل و نظم آفریده به غیر خود



مخفی بیدار خفت محبت  
فول به رانده در آن خفته  
و عجب کمال العجب از آن خفته  
لایق به برون چرخ خفته  
بر قوت خفته در آن خفته  
هم به برون چرخ خفته  
میان خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته

که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته

که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته

که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته

که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته

که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته  
که به خفته در آن خفته







©Afnan Library Trust, 2025







انچه كه از عبادت الله  
 بدين جماعت نرسد از او بگيرند  
 و از انچه در صدر شريف ميگذرد  
 بهر كس كه در دل بخواهد  
 اينها را كه بگيرد از او بگيرند  
 و از انچه در صدر شريف ميگذرد  
 بهر كس كه در دل بخواهد







علا بگو

نور دامن ماسنه ده بهر نور از نور خورشید که با کمال فرخندگی نورانی (نور در باب محمد که در آن است)  
 آنچه در کتب از باب محمد آمده که نور خورشید و نور ماه و نور کواکب و نور اجرام و نور انسان و نور  
 حیوان و نور گیاه و نور معدن و نور فلز و نور سیمین و نور آتش و نور آب و نور خاک و نور هوا و نور  
 کلاهیان جمیع اهل امکان متوجه باشد یعنی نفوس مقبله که بحق نسبت دارند نظرشان و فاعبت جمیع  
 اهل امکان باشد ملاحظه نمایند چند مشتی استخوان در دو بنا ظاهر و در مشتی نظریه و هواهای شخصی خود  
 ملاحظه نموده و در فنا و هلاک خلق با کمال ندانسته و ندانند چنانچه بعد از ظهور ما اثر که الهی در  
 لوح انیس هر یک از دول ندانند که ما رجوعی بقبل و غایت و کشتن و سوختن نداشتند و ندانند  
 ما دامیکه بمصلح ملکوتی ما معنی داریم نشود و دولین محادبتین را بهم انداختند وجه مقدار  
 از نفوس از ذکوردانات و اولاد و مدین و خری که فانی تمام شدند و اگر سوار ملکوت منع  
 میشود و خبر کل را ملاحظه میکردند این امور واقع نمیشد الا ما کان محمودا کتاب الله العلم الکلی  
 انشاء الله علی البر که ما این بیوت الاموال مشرف و منبر بماند و مطلع امانت و دانات و خبر واقع  
 اگر دوستان انجاد قلم علی نازل علی کنند التی جمیع مرکبات و خبرات بایشان توجه نماید انشاء الله تعالی  
 (در این باب از نه) و آنچه در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 نشود باین بوقوع و برزخ جلاله با و الله خیر (در این باب از نه) و آنچه در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 و قوم محمد است و این در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 با جمیع فانی نخواهند شد از حق بیاطمینان است و این را در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 علی بن ابی طالب که سید القادران و این را در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 و آنچه در حقیقت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 از این نوع فقرایه واجب بر حفظ و امانت و حضرت آن مرقی دارد آنکه لعل بقضای کلمه انشاء  
 آنچه در باب بقیت محمد و علوم است و در این طویر که ما معنی بقیت البر که  
 فلاحه این خبر فقرایه برادر محمد با طویر امانت دارم

بیداران چندین مجلسی با یکدیگر بصیافت جمیع نه نه و این فقرات در آن مجلسی و آنست که جمیع با علم امانت قائم زنده دارند  
 و چه باور که که حضرت محمد باقر آن نه نه بعد و بارت این فقرات و کمال اطمینان و بی تردید و در هر دو

































سبب این بی وفایتی و دروغی که در دین و دنیا از ایشان می آید که در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره  
 این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره  
 و تا آنکه بگویند که این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره  
 یوم جمع ۱۰ در که پایه توقف شد یک عت ایستاده بخام رفته به از حاکم بقاصد غیر از دستهای غیر متکافران  
 عالمی که بر وجود ملک او که از این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره  
 زده شد این که از این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره در این سوره



























حضور  
۸۴  
۵













16, PPO 19191A

Pen

[illegible]

کمر

استاذ

۱۰۰

چونکه جنه تقیم در ابرام و اسم زنده شده بود که در کتب در ابرام و در  
و فارغ عیب شده بود جمع نموده در این کتب و مقدر رسیده در ابرام  
و صورت اطلاق هم ثبت است - در کماله ابرو و این مردم هم که

صاحب اکرم در علم حاصل نمود و فرزند خود را در این علم  
در سال ۱۲۰۳ هجری قمری به نام خود در این علم

[illegible]

دکتر علی محمد کمالی از ده مرکز لرزه ۲۰۰۰ ع ۱۹۹۱

برنامه

زمان

نوع و تعداد مشاهده ۱۴۴۰  
وقت دیدن و ثبت  
قاب کمالی  
که در آن  
مشاهده

(در این امر معین صفتی است که در آن مشاهده شده است)













ناظر باشند و بتبلیغ امر مستغول و در هر امری اذامور بحال مستور و متسکندند  
سفقت متسکنت نا اطفال و در کار بیفتت و صحرای مکی ای بیلوف ناز شوند  
و بصحت تام مرزوقه این کلمه مبارکه در صفحه حر از قلم اعلا ثبت شده خود بنابر اسمان  
امتاب و ماه او بود باش و بوهیز کادی هم با قباب اسمان حقیقت که از برای  
خود چند و اقوی از این دو نبوده و نخواهد بود و در هر امری در صدد امر دیگر است  
الکر صریح در امر مستور و بعد از از جمله در صدد امر دیگر و صاحب در امر دیگر  
تا که در تاریخ موص ۹۹ در امر دیگر بنام حار و دیگر بنام این امری نازل و در امر دیگر بنام این امری  
این امر در آن مالک و سایر صفات نازل و در امر دیگر بنام این امری حاضر بنویس  
این اسم ۱۱ علیه السلام با قباب علیه السلام و هم چنان قباب علیه السلام و هم بنام  
و از برای هر محله تعیین <sup>کنند</sup> مواضع اصول و قوانین و قانونی امر مستغول کرد  
و این امر اتم از کل امور است <sup>است</sup> از هر امری قوه بسیار عظمی است با هر نفسی که از برای  
این امر منسبند بدن و قوت قوه غایت در اطراف ارض تا اگر یک دو نفر که ترک هر آن  
و از هر حرکت بنشینان جهت از هر غایت بسیار خوب است مع آنکه بدین در آن سینه نیست  
در این سینه جمع کثیر قوت مع آنکه این امری نسبت به نسبت و عظم حکم این امری و در آن است  
تا با بقیه مقام و این است قباب علیه السلام بود که از برای آن است و چون امر بر سر امر در بار مستور  
مندان این امری و در آن است قوی که هر محله در این امری است و نازل شده بود و هر محله این امری و در آن  
در این امری است قوت مع آنکه این امری با طراف است و این امری در بار صاحب بدین امر  
این امری حار که در امری در آن است آن امری که در امری صاحب معتمد نازل  
و در این امری است این امری است و در این امری است و در این امری است و در این امری است  
مستور صاحب صاحب قوت مع آنکه این امری در امری در امری در امری در امری در امری  
خاستن و در این امری است و در این امری است و در این امری است و در این امری است

نکته

۷۸

سار وینا و ق



[illegible]

جواب امیر علم عباسی در دراز فی ربہ

















[illegible][illegible]







[illegible]



[illegible]





بسم الله الرحمن الرحيم

ص ۲۴ ۹۹

۱ کتاب سفری است که در آن است و غیره و این که می  
گویند مجلس است  
کتاب که در آن است که در آن است

کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است

(افغانی بعضی نیست)

۲ کتاب مجلس است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است  
(مجلس است)

۳ کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است  
(بسیار است)

۴ کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است

کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است

۵ کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است  
(بسیار است)

۶ کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است  
(بسیار است)

۷ کتاب است که در آن است که در آن است  
که در آن است که در آن است  
(بسیار است)

[illegible]

























[illegible]









لعمریه که در متفکرم و زودان هر سه نگرانی است پس بدو را در دست کرم او هم انوار  
 و حضور حضرت عقیلی امیر محترم و از این نگرانی در دست کرم او هم انوار  
 و ارواح انی که این تر است عین هم انوار است و در این نگرانی در دست کرم او هم انوار  
 و در دست کرم او هم انوار است و در این نگرانی در دست کرم او هم انوار  
 و در دست کرم او هم انوار است و در این نگرانی در دست کرم او هم انوار

امیر کرم ایران حضرت فاضل علی نقی صاحب انوار معنی مکتوم انوار است  
 از جانب محقق متوفی که اظهار دارد که هر که در محلی است برادر است که در محلی است  
 از زینت بجهت اینکه از طرف لطف قدر اهل رحمت است که این نام بگوید عبار (خود و کلمات  
 حال ضعیف و نام تمام احوال است که در محلی است و نام و نام که بگویند و بگویند محقق  
 از خواطر و تفویض و در این محلی است که در محلی است و در این محلی است و در این محلی است  
 فاضل معنی مکتوم است که به این عذر و بجز این است

مطلب که در دو بوم قبل از وقوع از ارضی شانی و اهره جانب محمد باقر خان که از زینت  
 ان ارضی لغت و لغت می این امر است و در این محلی است و در این محلی است و در این محلی است  
 که معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی  
 وقت و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی  
 معنی که این از خواطر از ارضی است و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی  
 نویسی که معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی  
 معنی از ارضی و اخبار لغت معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی و معنی معنی













[illegible]





[illegible]





انکساج ددی واده بزم مہریم دھور دادہ نہ سنے لال ۹۷

[illegible]

فاران درمخودم

از روی کتاب  
از روی کتاب  
از روی کتاب

ملا علیہ رحمۃ

2/22/20

پیدا کی

کتاب  
ما از غرور در آفر

لے رہے تھے

عمر ۸۸ سال

مستطاب

2

اجزاء و مجلس  
اساتذہ

وکل اجار  
مجلس اجراء

١٢

محَلّ شود و از مصادر  
معروف و محَلّ وجه

[illegible]

در خصوص ادب و آداب خانان  
تجدید که ایام در نزد باطنه با پرده

۱- در هر ساله  
 ۲- در هر ساله  
 ۳- در هر ساله  
 ۴- در هر ساله  
 ۵- در هر ساله  
 ۶- در هر ساله  
 ۷- در هر ساله  
 ۸- در هر ساله  
 ۹- در هر ساله  
 ۱۰- در هر ساله

ص ۵۸ مرورا  
علا بحر ارجا  
ص ۵۹ ف عکس

خانہ کتبہ خانہ  
از خط خانہ  
کہ صحر سے (ازیم)  
کہ صرف میں  
کر دے  
لے

مهرت و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه  
 که از شهر اشتهار یافته و خاصه آنکه اسم الهی در علم هر کس که از آن  
 نعمت فرموده احدی مبلغ صد و بیست و سه تان و شصت و پنج خانم که  
 مانده

ایم و در وقت که ماه لایک یک مهر که در شهر  
 آنکه در شهر



مهر و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه

که از شهر اشتهار یافته و خاصه آنکه اسم الهی در علم هر کس که از آن  
 نعمت فرموده احدی مبلغ صد و بیست و سه تان و شصت و پنج خانم که  
 مانده

حضرت امام در آنجا  
 بعد در حضور آنجا  
 داده شد از آنجا



یک فقره مهر و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه  
 بازن داده و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه

آنکه در شهر  
 از آنجا

مهر و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه  
 بازن داده و بهنگم در دفعه ثانی از ارمی من که در شهر مکه و حرم کعبه







محمد بن زاده سته

\_\_\_\_\_

اما تعلیم در کتب هند که باقی است

البرق شقوة زرقه منه بر صاع ١٠ ١٦٦ طوم دومه كوكبا

\_\_\_\_\_

51









مطلب سوم  
اسامی حضرات حکم مجلیس

مطلب اول آنکه این مجلس از افاضه بزرگوار و مطلب  
استقلال بر تجارت اولاد در میان آنجا بود که شرکت  
نزد و طریقه در آن ملک و جمع اهل مجلس در آن  
تفکر نمایند بر آن و تفکر در کردن ملک و بارشند  
و آنکه جمیع در آن مطلب در بر و او شرکت و نه باشند  
و گفتند ما بنده و هم می مطالب متعلق با برتبع  
اولاد سبقت در آن باشد و فکر ما در آن آخه  
بیان کنند و آنکه بر آن متفق شده اند در مجلس آن  
ما جمیع اهل مجلس در آن تأمل فرمایند امر متوسط  
مطلب مجلس بود که کمتر عرض کرد و جواب  
حاصل آن که اولاد و صاحب و صاحب مدتی که اولاد  
تفکر و تفکر را با این که در مجلس و در نور سلف  
و بعد از گفتند و شخص موصوع و تأمل فرمایند و تفکر  
امر را در آن تفکر و تفکر را با این که اولاد در امر تجارت  
و طلب تجارت را تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر  
تجارت است و در هر امر را با این که تفکر و تفکر و تفکر  
و بعد از این هم در آن تأمل و تفکر نمایند و نه  
مجلس و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر

مطلب دوم  
مطلب اول آنکه این مجلس از افاضه بزرگوار و مطلب  
استقلال بر تجارت اولاد در میان آنجا بود که شرکت  
نزد و طریقه در آن ملک و جمع اهل مجلس در آن  
تفکر نمایند بر آن و تفکر در کردن ملک و بارشند  
و آنکه جمیع در آن مطلب در بر و او شرکت و نه باشند  
و گفتند ما بنده و هم می مطالب متعلق با برتبع  
اولاد سبقت در آن باشد و فکر ما در آن آخه  
بیان کنند و آنکه بر آن متفق شده اند در مجلس آن  
ما جمیع اهل مجلس در آن تأمل فرمایند امر متوسط  
مطلب مجلس بود که کمتر عرض کرد و جواب  
حاصل آن که اولاد و صاحب و صاحب مدتی که اولاد  
تفکر و تفکر را با این که در مجلس و در نور سلف  
و بعد از گفتند و شخص موصوع و تأمل فرمایند و تفکر  
امر را در آن تفکر و تفکر را با این که اولاد در امر تجارت  
و طلب تجارت را تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر  
تجارت است و در هر امر را با این که تفکر و تفکر و تفکر  
و بعد از این هم در آن تأمل و تفکر نمایند و نه  
مجلس و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر

مطلب اول آنکه این مجلس از افاضه بزرگوار و مطلب  
استقلال بر تجارت اولاد در میان آنجا بود که شرکت  
نزد و طریقه در آن ملک و جمع اهل مجلس در آن  
تفکر نمایند بر آن و تفکر در کردن ملک و بارشند  
و آنکه جمیع در آن مطلب در بر و او شرکت و نه باشند  
و گفتند ما بنده و هم می مطالب متعلق با برتبع  
اولاد سبقت در آن باشد و فکر ما در آن آخه  
بیان کنند و آنکه بر آن متفق شده اند در مجلس آن  
ما جمیع اهل مجلس در آن تأمل فرمایند امر متوسط  
مطلب مجلس بود که کمتر عرض کرد و جواب  
حاصل آن که اولاد و صاحب و صاحب مدتی که اولاد  
تفکر و تفکر را با این که در مجلس و در نور سلف  
و بعد از گفتند و شخص موصوع و تأمل فرمایند و تفکر  
امر را در آن تفکر و تفکر را با این که اولاد در امر تجارت  
و طلب تجارت را تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر  
تجارت است و در هر امر را با این که تفکر و تفکر و تفکر  
و بعد از این هم در آن تأمل و تفکر نمایند و نه  
مجلس و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر و تفکر



محل سبوتا  
منزل کدک  
آب کدک  
باز چرخه

اسرار و حقایق محسوسه  
معینه وقت  
محمد زکریا علی بن محمد  
(در ۱۰۰)

مطلب سواد  
در این مجلس بحث در وقت زنده  
کجا و کجا علی بن محمد  
در این مجلس در آن که در  
در این مجلس جمع بعضی و در وقت  
جمع هر وقت در وقت از آن دور  
حضرت که از غیرت دیگران  
سواد ۵۰۰ نفر در آن که  
نور علی بن محمد زنده

نور علی بن محمد  
علا محمد

اسرار و حقایق محسوسه  
نور علی بن محمد زنده

مطلب سواد  
در این مجلس بحث در وقت زنده  
کجا و کجا علی بن محمد  
در این مجلس در آن که در  
در این مجلس جمع بعضی و در وقت  
جمع هر وقت در وقت از آن دور  
حضرت که از غیرت دیگران  
سواد ۵۰۰ نفر در آن که  
نور علی بن محمد زنده

نور علی بن محمد  
علا محمد

اسرار و حقایق محسوسه  
نور علی بن محمد زنده

مطلب سواد  
در این مجلس بحث در وقت زنده  
کجا و کجا علی بن محمد  
در این مجلس در آن که در  
در این مجلس جمع بعضی و در وقت  
جمع هر وقت در وقت از آن دور  
حضرت که از غیرت دیگران  
سواد ۵۰۰ نفر در آن که  
نور علی بن محمد زنده

نور علی بن محمد  
علا محمد

اسرار و حقایق محسوسه  
نور علی بن محمد زنده

مطلب سواد  
در این مجلس بحث در وقت زنده  
کجا و کجا علی بن محمد  
در این مجلس در آن که در  
در این مجلس جمع بعضی و در وقت  
جمع هر وقت در وقت از آن دور  
حضرت که از غیرت دیگران  
سواد ۵۰۰ نفر در آن که  
نور علی بن محمد زنده

نور علی بن محمد  
علا محمد

اسرار و حقایق محسوسه  
نور علی بن محمد زنده

مطلب سواد  
در این مجلس بحث در وقت زنده  
کجا و کجا علی بن محمد  
در این مجلس در آن که در  
در این مجلس جمع بعضی و در وقت  
جمع هر وقت در وقت از آن دور  
حضرت که از غیرت دیگران  
سواد ۵۰۰ نفر در آن که  
نور علی بن محمد زنده







سرالہ

المؤيد المحقق العليم الحكيم

